

نقش امنیت اجتماعی در ارتقاء مؤلفه سرمایه‌های اجتماعی با توجه به کیفیت مدیریت شهری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

کد مقاله: ۹۹۳۲۸

فاطمه شادالوئی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت عملکرد مدیریت شهری، سرمایه اجتماعی شهروندان هست که نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها هست. بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار خواهد بود. احساس امنیت، پدیده‌ای روان‌شناختی است که ابعاد گوناگون دارد. این احساس از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامون ناشی می‌شود؛ بنابراین، افراد به شکل‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. باید توجه داشت آنچه در این نوشتار مدنظر است، احساس امنیت در معنای واقعی و عام آن است و لازم است بین این مفهوم و ناامنی که جنبه کاملاً شخصی دارد، تفکیک قائل شویم. امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه‌شناختی بشریت از ابتدای پیدایش حیات انسان بوده است که البته به دلیل تحولات سال‌های اخیر به‌شدت موردتوجه مسئولین، نخبگان، کارشناسان و عموم مردم قرار گرفته است. همچنین سرمایه‌های اجتماعی نیز از مقولات موردبحث در علوم اجتماعی و از اهداف مدیریت هست و در بردارنده نوع ارتباطات و تعاملات افراد انسانی یک اجتماع است و به‌صورت مستقیم بر سطوح سیاسی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد. مقاله حاضر با تعریف مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی به بررسی نقش کیفیت مدیریت شهری در ارتقاء سرمایه اجتماعی پرداخته و موضوع ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی را از منظر افزایش امنیت اجتماعی به‌واسطه عمل به وظایف و تکالیف محوله و خدمات ارائه‌شده از سوی مدیریت شهری موردبررسی و قرار داده و تأمین امنیت و ایجاد احساس آرامش و اطمینان درسant و طراحی فضای شهری و تنظیم و سامان بخشی به فعالیت‌های مربوطه و خدمات ارائه‌شده توسط مدیریت شهری را جزء عوامل توسعه و ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی تبیین نماید.

واژگان کلیدی: شهر، امنیت، مدیریت شهری، امنیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی

افزایش مداوم جمعیت شهری به همراه شکل‌گیری نیازهای جدید و متنوع شهروندان، اهمیت مسئولیت مدیران شهری را روزبه‌روز افزایش می‌دهد، به‌نحوی که امروزه وظایف مدیریت شهری از لحاظ حجم کاری و تنوع وظایف، با گذشته قابل‌مقایسه نمی‌باشد و دیگر نمی‌توان با دیدی صرفاً خدماتی به مدیریت شهری نگریست در عصر حاضر با توجه به توسعه کمی و کیفی شهرها، یکی از نهادهای بسیار مهمی که نقش بسزایی در اداره و خدمت‌رسانی شهرها داشته و هر روز نقش آن در اداره و تأمین نیازها و توسعه شهری پررنگ تر می‌شود نهاد مدیریت شهری است.

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت عملکرد مدیریت شهری، سرمایه اجتماعی شهروندان هست که نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها هست. بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار خواهد بود. امروزه سرمایه اجتماعی در جریان توسعه یک کشور در کنار انواع سرمایه (اعم از طبیعی، انسانی و مادی) برون داد و درون داد توسعه به شمار می‌آید. از طرفی نیز سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته، سرمایه اجتماعی به کارایی نهادهای دولتی کمک می‌کند.

شهر دارای فضا و کالبد مشخصی است که فعالیت‌های شهری در آن شکل و نظام می‌گیرد. هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر نیازمند برقراری امنیت در سطح اجتماع و روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است. لذا در این راستا مدیریت در شهر اهمیت پیدا می‌کند. در شهرهایی که زندگی ماشینی و روابط مجازی منجر به از بین رفتن روابط محله‌ای و منطقه‌ای شده است؛ خصوصی شدن اوقات فراغت، کاهش ارتباط میان همسایگان و مانند اینها دلیل محکمی بر نیاز ضروری شهرها به مدیریت کامل و جامع شهری در مسائل فرهنگی و اجتماعی است. شهروندان در این ساختار به فعالیت می‌پردازند و مدیریت شهری بعنوان متولی اصلی در ارائه خدمات به شهروندان و تعیین ساختار و سازمان و کالبد شهری نقش مهمی در تولید و ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی شهری را دارد. مدیریت شهری می‌تواند با طراحی و اجرای نما و منظر شهری در قالب فضاهای ایمن شهری احساس رضایت و آرامش شهروندان را برانگیخته و به واسطه خدماتی که ارائه می‌دهد حس اعتماد و رضایت را در ایشان شکوفا نماید. چنانچه شهروند بعنوان بهره‌بردار اصلی این ساختار امنیت و آرامش و رضایت را درک نمایند و با اطمینان به فعالیت پرداخته که در نتیجه همین تولید رضایت، آرامش، اعتماد و امنیت سرمایه‌های اجتماعی بازتولید و ارتقاء می‌نماید. ارتباط میان فضای شهری و احساس ناامنی، از موضوعات جدیدی است که در ادبیات امنیت از یک سو و در ادبیات مدیریت شهری از سوی دیگر، جایگاه مهمی یافته است؛ اما امروزه به یکی از مباحث جدی و بین رشته‌ای در علوم اجتماعی تبدیل شده است. (بیات، ۱۳۹۶)

افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. (کاهه، ۱۳۸۴) ویژگی مشخص این گونه امنیت آن است که جامعه مسئول به وجود آوردن آن است. به طوری که یکی از وظایف و اهداف جامعه، برقراری امنیت است. بنابراین امنیت اجتماعی عبارت است از آسودگی و آرامشی که جامعه برای اعضای خویش فراهم می‌کند. از این رو مفهوم امنیت با حاکمیت و مدیریت شهری ارتباط بیشتری می‌یابد و فقدان امنیت برابر با فقدان اقتدار حاکمیت مطرح می‌شود. (رودانی، رئیسی و ناظر حضرت، ۱۳۹۱) امنیت اجتماعی قلمرو وسیعی را در بر می‌گیرد. در واقع امنیت اجتماعی به معنای فضایی است که فرد در زمان حال و آینده تصویر روشن و امیدوارکننده‌ای از زندگی خود و جامعه اش دارد. (ورسلی، ۱۳۷۸)

بنابراین آنچه ذکر گردید؛ عملکرد مدیریت شهری در ایفای وظایف تعیین شده و محوله به نحو مطلوب و چگونگی خدمت‌رسانی به شهروندان در ابعاد فرهنگی اجتماعی، عمرانی کالبدی و ویژگی‌های درون‌سازمانی بر ایجاد سرمایه اجتماعی شهروندان که شامل آگاهی، اعتماد و مشارکت می‌باشد، تأثیرگذار است. بدین صورت که هرچقدر عملکرد مدیریت شهری کارآمدتر به همان میزان هم اعتماد و رضایت شهروندان بیشتر و به تبع آن نیز سرمایه اجتماعی شهروندان تقویت می‌گردد. به عبارتی فقدان سرمایه اجتماعی، فقدان سایر سرمایه‌ها، فقدان اعتماد و در نهایت نارضایتی از سیستم و در واقع تقویت گزاره‌های تخریب‌کننده و تنش‌آفرین را به همراه خواهد داشت و اثری منفی بر قدرت یک کشور خواهد گذاشت؛ که حاصل آن کاهش قدرت و ثبات سیاسی حکومت و دولت‌ها خواهد بود.

۲- روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی به گردآوری داده ها پرداخته و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل منابع کتابخانه ای و و علاوه بر آن با توجه به ارتباط موضوع، منابع اینترنتی و مباحث امنیت، سرمایه شهری و مدیریت شهری و سایر موضوعات مرتبط به بررسی و تحقیق پرداخته شده است.

۳- پیشینه تحقیق

نوروزی و سپهر (۱۳۸۸) در بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵ - ۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن دریافتند که متغیرهای محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی، تأثیر مستقیم و متغیر پایبندی مذهبی، تأثیری معکوس بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارد.

زیاری (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان احساس امنیت اجتماعی و تعیین کننده های اجتماعی و اقتصادی آن در شهر سبزوار نشان دادند که مردان، متولدان روستا، افراد با تحصیلات کمتر و نیز افرادی که احساس عدالت اجتماعی بیشتری دارند، بیشتر احساس امنیت می کنند.

بیات (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان تبیین ارتباط میان فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران، به پنداشت های متعدد از امنیت که در مناطق مختلف شهر تهران وجود دارد. پرداخته و در نهایت اینکه رابطه ای معنادار میان تعلق محله ای و پنداشت از امنیت برقرار است. بدین معنا که هرچه تعلق محله ای افزایش پیدا می کند، پنداشت ناامنی کاهش می یابد.

بیات و همکاران (۱۳۸۹) نیز در پژوهش فراتحلیل مطالعات مربوط به احساس امنیت اجتماعی، به این نتیجه رسیدند که از میان متغیرهای مؤثر بر احساس امنیت، متغیرهایی مانند طراحی محیطی، تجربه غیرمستقیم از جرم، عملکرد رسانه و احساس محرومیت نسبی، در همه پژوهش ها رابطه ای معنادار با احساس امنیت اجتماعی دارد.

حسین زاده (۱۳۸۹) عوامل اجتماعی و سیاسی بر احساس امنیت را در میان شهروندان ایلام مطالعه کرد و نشان داد که متغیر اعتماد اجتماعی، با هر سه بعد متغیر وابسته هم بستگی دارد.

۴- مبانی و تعاریف عملیاتی

۴-۱- شهر

شهر دارای فضا و کالبد مشخصی است که فعالیت های شهری در آن شکل و نظام می گیرد. هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر نیازمند برقراری امنیت در سطح اجتماع و روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است. شهر به مثابه بخشی از سلسله مراتب سیستم قضایی و تقسیمات سیاسی - جغرافیایی هر کشور براساس شاخصه های مختلفی مانند: نوع حکومت، مدیریت، سطح آگاهی، علاقه مندی اجتماعی و مشارکت مردم در نظام تصمیم گیری و... شکل می گیرد. از نظر تعریف شهر و مکان شهری، تفاوت زیادی بین کشورها وجود دارد. در حال حاضر، تعاریف مختلفی از مکان شهری شده است که هیچ کدام به تنهایی رضایت بخش نیست. گاهی اوقات، شهر بر اساس فرهنگ شهری (تعریف فرهنگی)، گاهی بر اساس کارکرد اداری (تعریف سیاسی - اداری)، گاهی بر اساس افراد شاغل در بخش غیر کشاورزی (شاخص اقتصادی) و گاهی بر اساس تعداد جمعیت (شاخص جمعیت شناختی) تعریف میشود. (شارع پور، ۱۳۹۱)

۴-۲- مدیریت شهری

اداره امور شهر به منظور ارتقای مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف و سیاست های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور را مدیریت شهری گفته و عبارت است از یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذریب در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر (حاجیان، رضائی، فلاح زاده، ۱۳۹۱) شناخت، سازماندهی و تعیین جایگاه نهادها و سازمانهای مرتبط با توسعه شهر، از جمله مسائل مهم مدیریت شهری به شمار میرود.

در نگاه ساختاری به مدیریت شهری، بحث و سؤال محوری این است که عناصر اصلی ساختار قدرت و مدیریت شهری کدامند، پایگاه اجتماعی این عناصر چیست و چگونه مشروعیت یافته اند، منافع کدام گروه های اجتماعی و اقتصادی را نمایندگی می کنند و نهایتاً اینکه در ساختار موجود چه کسی، چه چیز را، چه زمانی و چگونه به دست می آورد. (پوراحمد، بابایی و رفیع، ۱۳۹۷)

امروزه مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است. شهرها مدیریت می‌شوند تا بتوانند رفاه، آسایش و امنیت ساکنان خود را تأمین کنند. مدیریت شهری دارای تشکیلات وسیعی است و نقش مهمی در موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و همچنین رفع نیاز جمعیت، عبور و مرور در شهر، رفاه عمومی، امنیت، مسکن، کاربری زمین، تفریح، فرهنگ، اقتصاد، تاسیسات زیر بنایی و امثال آن‌ها بر عهده دارد (تقوایی، صفربادی، ۱۳۹۰)

۴-۳- سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی به طور کلی به معنای هر نوع از روابط اجتماعی است برای قادر ساختن اعضای جامعه، به منظور همکاری با یکدیگر برای به انجام رساندن اهداف جمعی به کار گرفته می‌شود. (عباسی شوازی و کرمی، ۱۳۹۴) پاتنام^۱ سرمایه اجتماعی را عبارت از ویژگی‌ها، کنش‌ها و ساختارهای گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که می‌تواند باتسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد. در این تعریف هم به اجزای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی اشاره شده و هم نتایج و کارکردهای آن مدنظر قرار گرفته است که باعث بهبود کارایی جامعه هست. براین اساس چنین جهت گیری‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند و در فعالیت‌های مردم در انجمن‌های داوطلبانه و در اعتمادشان به شهروندان منعکس می‌شود. سرمایه اجتماعی به شکل یک پدیده فرهنگی تعریف می‌شود که میزان تمایل به فعالیت مدنی در اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی رادر برمی‌گیرد. (احمدی و مرادی، ۱۳۹۷)

امروزه مفهوم سرمایه اجتماعی به یکی از مفاهیم با غنای نظری مناسب و ذخیره پژوهشی گسترده در جامعه‌شناسی تبدیل شده و به دلیل ارتباط با شاخص‌های متعدد توسعه در جامعه مورد توجه بسیاری از سیاست‌گذاران اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است. (عباسی شوازی و کرمی، ۱۳۹۴) بوردیو^۲ سه نوع سرمایه‌ی اجتماعی را از یکدیگر باز می‌شناسد و آن‌ها را تحت عنوان سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند. وی سرمایه اجتماعی را منبع سرمایه فرهنگی میدانند. از نظر او مقصود از سرمایه اجتماعی، منافع و منابعی است که افراد از طریق عضویت در شبکه‌ها به دست می‌آورند و قابل تبدیل شدن به سرمایه اقتصادی است. سرمایه اجتماعی با کارکرد آن تعریف می‌شود. به باور وی، سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه مشتمل بر انواع گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند؛ نخست آن که همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار قرار دارند، تسهیل می‌کنند. دیگر آن که سرمایه اجتماعی مانند سرمایه‌های فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست. (علینی، ۱۳۹۱)

سرمایه اجتماعی شهری، سرمایه و موهبتی نامحسوس شناخته می‌شود که بیش از آنکه به فرد تعلق داشته باشد، متعلق به جامعه است و نداشتن توانایی یک فرد یا حتی گروهی از جامعه را می‌توانند جبران کنند. برای سنجش سرمایه اجتماعی شهری از سه سازه استفاده خواهد شد که عبارتند از: ۱- اعتماد اجتماعی، ۲- انسجام اجتماعی، ۳- مشارکت اجتماعی (پوراحمد، بابایی، رفیع، ۱۳۹۷)

فوکویاما سرمایه اجتماعی را شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیر رسمی میدانند که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند نفر می‌شود. او برای وارد شدن به سرمایه اجتماعی از مفهوم شعاع اعتماد بهره می‌برد و معتقد است که همه گروه‌هایی که مظهر سرمایه اجتماعی هستند دارای نوعی شعاع اعتمادند و به دیگر معنا حلقه‌ای از افراد در هر گروه موجود است که هنجار همکاری در میان آن‌ها عمل می‌کند گستره این سلسله‌ها می‌تواند از دوستان و جرگه‌ها تا سازمان‌های غیر دولتی و گروه‌های مذهبی را در بر گیرد. (کماسی و حسینی، ۱۳۹۳)

۵- عوامل موثر بر ارتقاء سرمایه اجتماعی

بقاء نظم اجتماعی، حاصل رضایت مدنی شهروندان و گروه‌هاست و یکی از زمینه‌های این رضایت مدنی، شبکه‌های اجتماعی قوی و برآمده از فرآیند مستمر، نهادمند و برخاسته از بطن جامعه است که می‌توان آن‌ها را در چهره سرمایه اجتماعی قوی متجسم کرد. سرمایه اجتماعی یا مؤلفه‌های آن، همچون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، تسهیل‌کننده کنش و همکاری جمعی برای نفع‌های چندجانبه است اعتماد سیاسی و مشروعیت، سبب افزایش حمایت شهروندان از سیاست‌ها و برنامه‌های اعمالی و عمل کردن به آن‌ها طبق قانون می‌شود. شبکه‌های مشارکتی، موجب غنای سرمایه اجتماعی و تعمیق آن می‌شوند و سرمایه اجتماعی،

1 patnam
2 Bourdiue

تقویت باورمندی درونی متکی بر روحیه جمعی را به دنبال دارد که ثمره آن، جلوگیری از ذره گونه شدن افراد است. (عباس زاده، کرمی، ۱۳۹۰) مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از:

اعتماد؛ اعتماد همکاری میان افراد را تسهیل می کند و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد میکند. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است (شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷) اعتماد کلید اصلی برای روابط بین شخصی و یا بین فردی در زمینه های مختلف است. اعتماد دانش و یا اعتقادی است که اعتماد شونده انگیزه یا محرکی دارد برای انجام دادن عملی که متعهد به انجام آن است. (حاجیانی، رضائی، فلاح زاده، ۱۳۹۱)

مشارکت؛ مشارکت اجتماعی را می توان فرآیند سازمان یافته ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام میگردد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروه ها، سازمان های محلی و غیردولتی است. (توکلی، دهقانی و زارعی، ۱۳۹۰)

آگاهی؛ پیش شرط اولیه برای مشارکت اجتماع "آگاهی" است. آگاهی یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. جایی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی آگاه نمی شوند یا ابزارهای موجود که از جوابگویی به این مشکلات بیخبرند، فرصت های مشارکت اجتماعی و حس قوی یا خیره اجتماعی هم پایین تر خواهد بود. (کماسی و حسینی، ۱۳۹۳)

سرمایه اجتماعی زاده کنش و واکنش افرادی باشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر است. بورت ۱ سرمایه اجتماعی را متشکل از دوستان، همکاران و تماس ها و ارتباطات عمومی میداند که از طریق آنان هر فرد فرصت برای استفاده از سرمایه مالی و انسانی خود را به دست می آورد. به نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و ارزش های غیررسمی است. که اعضای گروهی که هم کاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. (فوکویاما، ۱۳۷۹)

وجود سرمایه اجتماعی در شهروندان سبب مشارکت اجتماعی آنان در مسائل امنیتی شهر و جامعه میشود. ارتباط سرمایه اجتماعی با امنیت شهری شهروندان از طریق پارامترهایی چون اعتماد و تعامل متقابل، افزایش روح جمعی نسبت به آینده شکل می گیرد. سرمایه اجتماعی از طریق تأثیرات بافتی و ترکیبی بر امنیت شهروندان در قالب الگوهای دوستی، آسودگی و اعتماد اجتماعی شهروندان با یکدیگر، تماس اجتماعی با دوستان و رفع فشارهای روحی و کاهش احساس ناتوانی از داشتن امنیت و غیره شکل میگیرد. از بعد دیگر انسجام اجتماعی بین سازمانهای مرتبط با مدیریت در جهت افزایش خدمات امنیت شهری منجر به کاهش نا امنی در میان شهروندان شده است. (مرادی، ۱۳۹۶)

۵-۱- امنیت اجتماعی

امنیت مفهومی نسبی است و مانند بقیه مفاهیم ابداع شونده در زندگی اجتماعی مطلق نیست. امنیت مفهومی چندبعدی است و ابعادی چون داخلی، خارجی، ملی، منطقه ای، شهری و... را در برمی گیرد. این مفهوم هم بعد عینی و هم بعد ذهنی را شامل می شود که در بعد عینی به معنای نبودن تهدید واقعی است و در بعد ذهنی فقدان احساس هراس را در برمی گیرد (ماندل، ۱۳۷۹) یکی از مهم ترین مؤلفه های زندگی بشری که وجود آن در هر جامعه ای، از ضروریات محسوب شده و بدون آن زندگی سعادت مندانه برای آحاد مردم امکان پذیر نیست، مسأله مهم و حیاتی «امنیت» می باشد. (رودانی، رئیس و ناظر حضرت، ۱۳۹۱) لازمه داشتن یک جامعه توسعه یافته منوط به داشتن امنیت در آن هست. امروزه با توجه به روند رو به تزاید شهرنشینی و رشد تصاعدی ریسک پذیری شهر و شهروندان در ارتباط با سوانح و مخاطرات، ضرورت اهتمام به مسأله امنیت به عنوان یکی از مؤلفه های مهم و تعیین کننده یک شهر خوب بیش از پیش احساس می شود. (محمدی ده چشمه و هادی، ۱۳۹۶) شهروندی کامل مبتنی بر برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی شامل امنیت اجتماعی، رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی، آموزش همگانی، بهداشت همگانی استوار ساخت. (شیانی و محمدی، ۱۳۹۵)

افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروه های مختلف اجتماعی هستند. این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی مورد توجه و بحث قرار می گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. (کاهه، ۱۳۸۴)

امنیت در ابعاد مختلف آن، خاستگاه و زیربنای تمامی امور است و در فقدان آن هیچ گونه فعالیت فردی یا گروهی دیگری در عرصه های مختلف صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، اقتصادی، سیاسی و انجام پذیر نخواهد بود.

نیاز به امنیت، یکی از مهم ترین نیازهای انسان و همزاد زندگی اجتماعی بشر است. در دوران اولیه، طبیعت زندگی بشر را تهدید می کرد و بقا و حفظ موجودیت برای افرادی ممکن بود که امنیت آن ها تضمین می شد. به همین دلیل، در دوران های بعد دولت تأسیس شد که یکی از دلایل اصلی تشکیل آن، تضمین امنیت برای زندگی اجتماعی افراد در جامعه بود و امنیت ملی و اجتماعی هم در این زمان از اهمیت خاصی برخوردار شد. (مقتدایی و امیری اسفرجانی، ۱۳۹۶)

احساس امنیت، پدیده‌ای روان‌شناختی است که ابعاد گوناگون دارد. این احساس، از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامون ناشی می‌شود؛ بنابراین، افراد به شکل‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. باید توجه داشت آنچه مدنظر است، احساس امنیت در معنای واقعی آن است و لازم است بین این مساله و نامنی تفکیک قائل شویم. بر این مبنا به نظر می‌رسد احساس امنیت، با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد. (بیات، ۱۳۹۶)

امنیت اجتماعی یکی از فراگیرترین موضوعات جوامع بشری است که به دست افراد جامعه تولید می‌شود. امنیت در بعد عینی میزانی از امنیت است که در واقعیت امر و در بطن جامعه وجود دارد اما در بعد ذهنی یا احساس امنیت، میزانی مدنظر است که افراد آن را احساس می‌کنند. بنابراین، احساس امنیت در جامعه، مهم‌تر از امنیت عینی است، زیرا ممکن است در یک جامعه امنیت واقعی وجود داشته باشد، اما افراد آن را احساس نکنند یا به میزانی کمتر از میزان واقعی احساس کنند. اگر مردم جامعه ای احساس کنند که پدیده امنیت اجتماعی کم رنگ شده یا کاهش یافته است، در مراحل نخست احتمالاً آن را به صورت یک واقعیت ذهنی تلقی خواهند کرد اما در مرحله بعد و به طور ناخودآگاه، به شکل پدیده ای بیرونی تجلی خواهد یافت. (مقتدایی و امیری اسفرجانی، ۱۳۹۶)

امنیت یکی از ارکان اساسی دستیابی به یک جامعه سالم و داشتن شهرهای پایدار هست. مردم همواره خواستار تأمین امنیت فردی و اجتماعی، عدالت و آزادی هستند. از این رو، امنیت همواره یکی از نیازهای مردمی بوده است. احساس امنیت اجتماعی در جامعه زمینه را برای سازگاری بین گروه‌های اجتماعی، مردمی، دینی و نژادی مختلف فراهم و فضای اجتماعی امن تری جهت تعاملات اجتماعی گروه‌ها با یکدیگر ایجاد می‌کند. افراد برای تحقق اهداف جمعی خود، به ایجاد و گسترش امنیت در جامعه نیاز دارند. (مقتدایی، امیری و اسفرجانی، ۱۳۹۶)

افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. (کاهه، ۱۳۸۴) ویژگی مشخص اینگونه امنیت آن است که جامعه مسئول بوجود آوردن آن است. به طوری که یکی از وظایف و اهداف جامعه، برقراری امنیت است. بنابراین امنیت اجتماعی عبارت است از آسودگی و آرامشی که جامعه برای اعضای خویش فراهم می‌کند. از این رو مفهوم امنیت با دولت و مدیریت شهری ارتباط بیشتری می‌یابد و فقدان امنیت برابر با فقدان اقتدار دولت مطرح می‌شود. (رودانی، رئیسی و ناظر حضرت، ۱۳۹۱) امنیت اجتماعی قلمرو وسیعی را دربرمیگیرد. در واقع امنیت اجتماعی به معنای فضایی است که فرد در زمان حال و آینده تصویر روشن و امیدوارکننده ای از زندگی خود و جامعه دارد. (ورسلی، ۱۳۷۸)

امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه‌شناختی بشریت از ابتدای پیدایش حیات انسان بوده است که البته به دلیل تحولات مهروموم‌های اخیر به شدت مورد توجه مسئولین، نخبگان، کارشناسان و عموم مردم قرار گرفته است. این مفهوم دربردارنده نوع ارتباطات و تعاملات افراد انسانی یک اجتماع است و به صورت مستقیم بر سطوح سیاسی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد. (رودانی، رئیسی و ناظر حضرت، ۱۳۹۱) امنیت اجتماعی به حفظ ویژگی‌هایی برمی‌گردد که بر مبنای آن‌ها افراد خود را به شکل عضو یک گروه اجتماعی می‌شناسند یا به عبارت دیگر، جنبه‌هایی از زندگی افراد که هویت گروهی آن‌ها را سامان می‌دهد. (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶)

۶- شاخصه‌ها و الزامات امنیت اجتماعی

امنیت از نقطه‌نظرهای مختلف تقسیم‌بندی می‌شود، مانند؛ ذهنی و عینی، فردی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، حیثیتی، عاطفی و فردی، امنیت عمومی، امنیت داخلی و امنیت اجتماعی. طبق تحقیقات به عمل آمده؛ برخی ویژگی‌ها را برای امنیت برمی‌شمرد که یکی از این ویژگی‌ها جامع بودن است. زیرا کلی امور مربوط به اداره جامعه را دربرمی‌گیرد. از دیگر ویژگی‌های امنیت، تجزیه ناپذیری آن محسوب می‌شود، چنان‌که در واقع، فقدان امنیت در هر بعد به کل ابعاد آن لطمه می‌زند. دیگر آنکه امنیت ذاتی است، چون به علت نیاز ندارد. همچنین، از مهم‌ترین ویژگی‌های دیگر امنیت آن است که با سایر امور زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها رابطه دارد و برای فهم آن، باید این موضوع را به صورت مفهومی درک کرد. (مقتدایی و امیری اسفرجانی، ۱۳۹۶)

سازمان ملل در گزارش تقویت ایمنی و امنیت شهری که در سال ۲۰۰۷ منتشر کرده است، ایمنی و امنیت انسانی را معادل حمایت از نیازهای حیاتی بشری یعنی آزادی از شرایط نامطلوب زندگی و نزدیک کردن انسان‌ها به آمال و آرزوهایشان معنا نموده است. عوامل متعددی می‌تواند ریشه در بروز ناامنی در فضاهای شهری داشته باشد. (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۲) جامعه‌شناسان امنیت شهری را ناشی از جامعه‌پذیری شهروندان و تعادل در دسترسی به امکانات و خدمات و فرصت‌های بهینه زندگی تفسیر و ناامنی را بر محور جنایت و اعمال خشونت‌آمیز ناهنجاری‌های رفتاری تحلیل می‌نمایند. (پوررضا، ۱۳۸۹) همچنین امنیت اجتماعی

می‌توان به‌عنوان قابلیت از اجتماعات شهری برای حفظ کارکردهای شهری به‌منظور تأمین زندگی و سلامتی شهر و شهروندان و مدیریت نیازهای اساسی شهروندان در شرایط مقابله با فشارهای شهری تعریف نمود.

عوامل و زمینه‌های متعددی در شکل‌گیری احساس ناامنی در جامعه، حتی در شرایطی که امنیت عینی قابل قبول باشد، نقش ایفا می‌کنند. از عوامل مهم در ایجاد احساس امنیت، فضای شهری و نوع پنداشت افراد و تصویرسازی ذهنی آن‌ها از فضا است. فضای شهری، از موضوعات مطرح در برخی از حوزه‌های علوم اجتماعی است. (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۶)

۷- امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی شهری

امنیت از ابتدایی‌ترین اصول در جهت دستیابی به استانداردهای مطلوب آسایش شهری است و اصولاً کیفیتی را در بردارد که در آن شهروندان بدون هراس از هرگونه تهدید انسان ساخت و محیط ساخت از زندگی در شهر ابراز رضایت دارند. به نظر می‌رسد احساس امنیت، با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد. تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آن‌ها از شرایط اجتماعی، همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی، و کاذب و غیر واقعی قرار می‌دهد. (بیات، ۱۳۹۶)

عوامل و زمینه‌های متعددی در شکل‌گیری احساس ناامنی در جامعه، حتی در شرایطی که امنیت عینی قابل قبول باشد، نقش ایفا می‌کنند. از عوامل مهم در ایجاد احساس امنیت، فضای شهری و نوع پنداشت افراد و تصویرسازی ذهنی آن‌ها از فضا است. فضای شهری، از موضوعات مطرح در برخی از حوزه‌های علوم اجتماعی است. با آنکه توجه جدی به این موضوع مربوط به چند دهه اخیر است و تفکر درباره آن، از دیرباز در نظریه‌های جامعه‌شناسی مطرح و بررسی شده است. تغییرات اجتماعی گسترده و روزافزون در زندگی بشر به ویژه در کلان شهرها، شرایط زیست اجتماعی، به تدریج ناامنی و احساس ناامنی را در ساختار ذهنی شهروندان تقویت می‌نماید. آثار و پیامدهای این وضعیت سرمایه اجتماعی مدیریت شهری را که با هزینه‌های فراوان کسب شده است، کاهش می‌دهد؛ چراکه تأثیری مستقیم بر عناصر سرمایه اجتماعی شهری برجای می‌گذارد.

این امر سبب شده است که امروزه حوزه‌های علمی و پژوهشی مانند مطالعات امنیتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جرم‌شناسی و مطالعات شهری، بخشی از چارچوب تبیینی و تفسیری خود را به موضوع کلان‌ناهنجاری‌ها (رفتاری، ساختاری و بافتی) در شهرها اختصاص دهند. (بیات، ۱۳۹۶)

۸- نقش مدیریت شهری در تأمین امنیت اجتماعی

هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر نیازمند برقراری امنیت در سطح اجتماع و روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است. لذا در این راستا مدیریت در شهر اهمیت پیدا می‌کند. در شهرهایی که زندگی ماشینی و روابط مجازی منجر به از بین رفتن روابط محله‌ای و منطقه‌ای شده است؛ خصوصی شدن اوقات فراغت، کاهش ارتباط میان همسایگان و مانند اینها دلیل محکمی بر نیاز ضروری شهرها به مدیریت کامل و جامع شهری در مسائل فرهنگی و اجتماعی است. (بیات، ۱۳۹۶) احساس امنیت اجتماعی آن بخش از امنیت اجتماعی را در برمی‌گیرد که افراد از نظر احساس آن را درک و تجربه می‌کنند. چنانکه کاهش احساس امنیت اجتماعی آسیب‌های فراوانی را بر پیکره زندگی اجتماعی افراد جامعه وارد می‌کند. (مقتدایی، اسفنجانی)

اگر از شهر در قالب نمادهای فرهنگی جامعه تصویر درستی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای سامان بخش طراحی و از طریق هنر، زبان، معماری و... به‌عنوان چشم‌انداز مطلوب تبلیغ و ترویج شود، روح جمعی و ذهنیت روان‌شناختی جمعی آن را بر ساخت می‌کند و در واقعیت به منصه ظهور نزدیک می‌سازد. به تعبیر ساده‌تر، اگر در حوزه عمومی که افکار عمومی بخشی از آن محسوب می‌شود، نقاط شهری به فضاهای تقریباً امن متصف و بازنمایی شوند، به تدریج امنیت آن‌ها بازتولید خواهد شد. (بیات، ۱۳۹۶) وجود فضاهای بی‌دفاع در شهر به‌عنوان فضای زیست اجتماعی شهروندان با ویژگی‌هایی که ذکر آن‌ها رفت، بر احساس امنیت علائم انحطاط اجتماعی و اجتماعی شهروندان در فضاهای شهری اثر می‌گذارد. بر این مبنای تصویر شهر و فضاهای آن در ذهنیت شهروندان به‌صورت منفی تصویرسازی می‌شود و در نتیجه آن، روابط اجتماعی با اختلال مواجه می‌شود.

روابط فیزیکی در محله‌ها و ضعف کنترل‌های اجتماعی ممکن است بر برداشت عمومی از خطر، جرم و ناامنی اثر بگذارد. بی‌نظمی به‌عنوان جنبه‌ای از محیط اجتماعی و فیزیکی، این معنا را برای مشاهده‌گر تداعی می‌کند که در محیط اجتماعی، روی افراد کنترل و نظارت وجود ندارد و نیز ارزش‌ها و انگیزه‌های سایر شرکای فضای اجتماعی مورد مشاهده، دچار انحطاط شده‌اند. آشفتگی مدنی به معنای آن است که استانداردهای اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد و ارزش‌ها و هنجارهای مورد پذیرش عرف تحلیل رفته است.

به طور خلاصه میتوان مجموعه ای از نشانه های اجتماعی و محیطی همراه با احساس ناامنی را به شرح زیر فهرست کرد: روشنائی ضعیف محله در شب، وندالیسم و بی سازمانی اجتماعی، تراکم جمعیتی و اختلال در روابط اجتماعی، مکان‌های مناسب برای اختفای مجرمان و فضای کالبدی نامناسب، فروپاشی سرمایه اجتماعی، تحریک افکار عمومی و بزرگ نمایی به وسیله رسانه های جمعی و رواج رفتارهای ایجادکننده اختلال در محل (بیات، ۱۳۹۶).

نتیجه گیری

تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط حاصل می‌شود و افراد مختلف به شکل‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. با داشتن احساس امنیت، فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نیست و در تعامل با محیط اجتماعی خود، از سوی دیگران احساس ایمنی می‌کند. (بیات، ۱۳۹۶)، تبیین ارتباط میان فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶ شماره ۲، ص: ۳۲۹-۳۵۰) امروزه مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است. شهرها مدیریت می‌شوند تا بتوانند رفاه و آسایش و امنیت ساکنان خود را تأمین کنند. مدیریت شهری دارای تشکیلات وسیعی است و نقش مهمی در موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و همچنین رفع نیاز جمعیت، عبور و مرور در شهر، رفاه عمومی، مسکن، کاربری زمین، تفریح، فرهنگ، اقتصاد، تاسیسات زیر بنایی و امثال آن‌ها بر عهده دارد (تقوایی و صفر آبادی، ۱۳۹۰).

بنابراینچه ذکر گردید؛ عملکرد مدیریت شهری در ایفای وظایف تعیین شده و محوله به نحو مطلوب و چگونگی خدمت رسانی به شهروندان در ابعاد فرهنگی اجتماعی، عمرانی کالبدی و ویژگی‌های درون سازمانی بر ایجاد سرمایه اجتماعی شهروندان که شامل آگاهی، اعتماد و مشارکت میباشد، تأثیرگذار است. بدین صورت که هرچهقدر عملکرد مدیریت شهری کارآمدتر به همان میزان هم اعتماد و رضایت شهروندان بیشتر و به تبع آن نیز سرمایه اجتماعی شهروندان تقویت می‌گردد.

مدیریت شهری بعنوان متولی اصلی در ارائه خدمات به شهروندان و تعیین ساختار و سازمان و کالبد شهری نقش مهمی در تولید و ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی شهری را دارد. مدیریت شهری می‌تواند با طراحی و اجرای نما و منظر شهری در قالب فضاهای ایمن شهری احساس رضایت و آرامش شهروندان را برانگیخته و به واسطه خدماتی که ارائه می‌دهد حس اعتماد و رضایت را در ایشان شکوفا نماید. چنانچه شهروند بعنوان بهره بردار اصلی این ساختار امنیت و آرامش و رضایت را درک نمایند و با اطمینان به فعالیت پرداخته که در نتیجه همین تولید رضایت، آرامش، اعتماد و امنیت سرمایه‌های اجتماعی بازتولید و ارتقاء می‌نماید.

در صورتیکه برابر وظایف و تکالیف محوله بر مدیریت شهری مبنی بر طراحی، برنامه ریزی و عمران فضا و معماری شهری برابر کارکرد تعریف شده و سامان بخشی بر فعالیت‌های مرتبط در شهر و منظر نمای شهری، به نحوی که به شهروند از قرارگرفتن در محیط شهری حس امنیت و اطمینان و آرامش القا شده و از طرفی با ارائه خدمات مطلوب، با کیفیت و به موقع از طرف مدیریت شهری به شهروند و موجبات از بین رفتن احساس عدم امنیت از فعالیت در محیط شهری و ایجاد اعتماد، رضایت و امنیت اجتماعی، مشارکت شهروند را نیز در فعالیت‌های اجتماعی و شهری به همراه خواهد داشت چنانچه؛ شبکه‌های مشارکتی، موجب غنای سرمایه اجتماعی و تعمیق آن می‌شوند و سرمایه اجتماعی، تقویت باورمندی درونی متکی بر روحیه جمعی را به دنبال دارد که ثمره آن، جلوگیری از ذره گون شدن افراد است؛ که نتیجه آن ارتقاء و زایش سرمایه‌های اجتماعی هست. به همین ترتیب؛ در صورتیکه مدیریت شهری قادر به تأمین امنیت اجتماعی که یکی از شکل‌های امنیت به شمار می‌روند. نتیجتاً موجب زایش و ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌گردد.

منابع

۱. کاهه، احمد، (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱، تهران: انتشارات گلپونه
۲. رودانی، امین، رئیسی وانانی، رضا، ناظر حضرت، جعفر، (۱۳۹۱)، بهینگی اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی در بوته نظرسنجی از ناحیه افکار عمومی (مطالعه موردی: منطقه ۱۶ شهرداری تهران در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ص: ۹۸-۱۱۷
۳. ورسلی، پیترو، (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: سعید معیدفر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول
۴. بیات، بهرام، (۱۳۹۶)، تبیین ارتباط میان فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی در شهر تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶ شماره ۲، ص: ۳۲۹-۳۴۹
۵. شارع پور، محمود، (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی شهری. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
۶. حاجبانی، ابراهیم، رضائی، علی اکبر، فلاح زاده، میرزاعبدالرسول (۱۳۹۱)، اعتماد اجتماعی به مدیریت شهری و عوامل مؤثر بر آن، تهران: فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص: ۹۰-۹۵

۷. تقوایی، مسعود، صفرآبادی، اعظم، (۱۳۹۰)، نقش مدیریت شهری در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری شهری مطالعه موردی: شهر کرمانشاه، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره ۴، ص: ۳۶
۸. عباسی شوازی، محمدتقی، کرمی، فرشاد، (۱۳۹۴)، دین و سرمایه اجتماعی: مطالعه رابطه مشارکت در اجتماعات دینی و سرمایه اجتماعی، - فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۱، ص: ۹۷-۱۲۱
۹. احمدی، یعقوب، مرادی، سالار، (۱۳۹۷)، سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ شهروندی، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۷، شماره ۸، ص: ۱۲-۱۳۱
۱۰. علینی، محمد، (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در آموزه های اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب
۱۱. پوراحمد، احمد، بابایی، حمیدرضا، رفیع، ابوالفضل ۱۳۹۷، تبیین نقش مدیریت محله ای بر پایداری اجتماعی شهر تهران از طریق سرمایه های اجتماعی ارتباط دهنده شهری، تهران: فصلنامه مطالعات شهرداری اسلامی، سال هشتم، شماره سی و یکم
۱۲. کماسی، حسین، حسینی، سیدعلی، (۱۳۹۳)، تبیین رابطه بین عملکرد مدیریت شهری و سرمایه اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی: محله ولیعصر شمالی)، مجله علمی-پژوهشی برنامه ریزی فضایی، سال چهارم، شماره سوم، ص: ۱۰
۱۳. عباس زاده، هادی، کرمی، کامران، (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، ص: ۵۵-۷۹
۱۴. مرادی، علی، (۱۳۹۶)، مطالعه بررسی نقش مشارکت شهروندان در تأمین احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه پژوهش های انتظام اجتماعی، سال نهم، شماره چهارم، ص: ۱۳۹-۱۶۶
۱۵. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان
۱۶. شادی طلب، ژاله و حجتی کرمانی، (۱۳۸۷)، فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی، رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۸
۱۷. توکلی، مرتضی، دهقانی، کیومرث و زارعی، رضا، (۱۳۹۰)، تحلیلی بر میزان سرمایه ی اجتماعی در مناطق روستایی شهرستان ممسنی (مطالعه موردی: بخش دشمن زیاری)، برنامه ریزی منطقه ای، شماره ۴
۱۸. محمدی ده چشمه، مصطفی، علیزاده، هادی، (۱۳۹۶)، ارزیابی مؤلفه های امنیت شهری بر پایه رویکرد ساختارگرا مورد شناسی: شهر ارومیه، فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۶، شماره ۱۰۴، ص: ۱۴۶-۱۵۸
۱۹. شبانی، ملیحه، محمدی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، مطالعه فرهنگ شهروندی در مدیریت شهری تهران، نشریه پژوهش های انسان شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، ص: ۲۲۷-۲۵۰
۲۰. مقتدایی، لیلا، امیری اسفرجانی، زهرا، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر مدیریت افکار عمومی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان اصفهانی، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ششم، شماره پیاپی ۱۷، شماره دوم، ص: ۶۳-۸۸
۲۱. ماندل، ر، (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده راهبردی
۲۲. بوزان، باری، ویور، اودوویلده، پ، (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه بر تحلیل امنیت، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی
۲۳. پوررضا، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی شهری، انتشارات سمت

